

مادر و وطن

هر آنکس میهنش افغانستان است
همه افغان و ازیک بوستان است
اگر ترکمن بُود ازیک، هزاره
همه زیبا گلی یک گلستان است
قزلباش و بلوچ، پشتون و تاجک
همه با هم برادر، جسم و جان است
نفاق سنی و شیعه، برادر
ز نیرنگ های شیطان زمان است
اگر حُب و وطن، داری تو بر سر
نگوئی سنی و یاشیعگان است
ندارد آنکه بد خواهی، به کشور
به هندوی وطن، هم مهربان است

نباشد افتخار قوم بر قوم
همه مخلوق دادار جهان است
ندارد برتری، ابیض بر اسود
که شرطش در کلام الله، بیان است
به تقوا برتری حاصل بگردد
نه بر رنگ و نژاد و نی زبان است
اگر رهرو شوی، در راه یزدان
خوشا، جای بهشت جاودان است
به حَبْلِ اللهِ، توسل جو عزیزم
تفرق نهی واضح و عیان است
نگاهی با بصیرت کن، به میهن
چنین وضعش به ملت، بس گران است
از این جنگ و بلا ی خانمانسوز
یتیمان وطن، بی آب و نان است

خدا را هموطن! دستی بهم ده
ترا مادر وطن، خواهش چنان است
نماتأمین امنیت، به کشور
که بی امنی خودش، یکسر زیان است
بکن خُنْثی، تو مکر دشمنان را
که دشمن در لباس دوستان است
بزن کوبنده مُشتی بر دهانش
که باشد یادوی، تا این جهان است
تَمْنَا "حیدری" دارد، الهی!
رسانش بروطن، چون ناتوان است
بکن خاکش تو در دامان، مادر
ورا، این آرزو، دردل نهان است

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۱۱ می ۲۰۰۳، سدنی

۱۱می ۲۰۰۳، سدنی